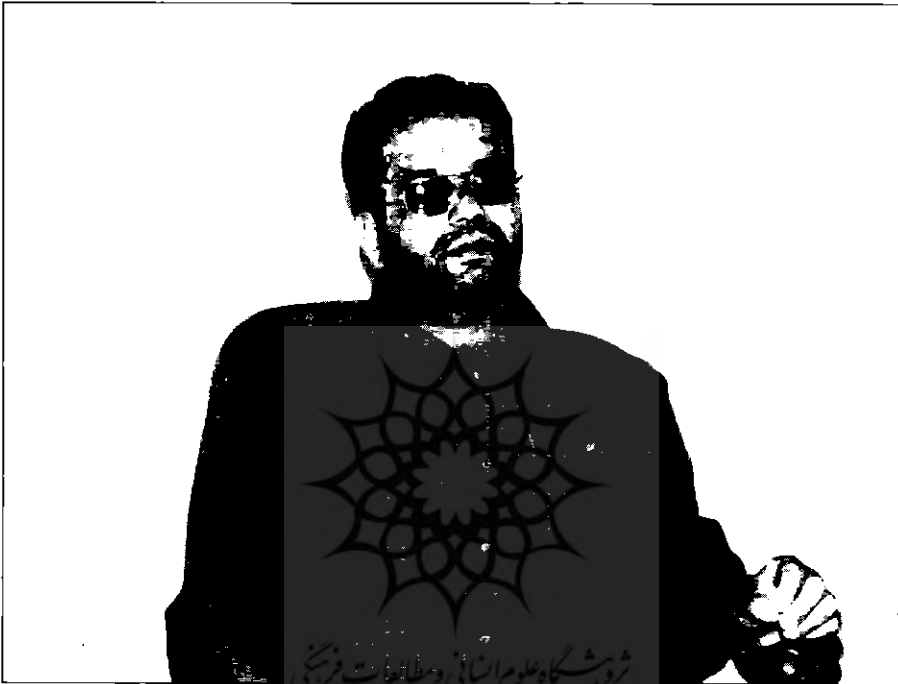


## پیشینه هیئت‌های عزاداری در نهاوند

سید کریم موسوی زاده



اشاره:

ارادت مردم شهرستان نهاوند به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفایش سابقه‌ای چند قرنه دارد. هیئت‌های عزاداری و تعزیه و هم‌چنین مجالس روضه‌خوانی و مرثیه‌سرایی در مساجد، تکایا و منازل، در طول تاریخ نهاوند، جلوه‌هایی از بیان این ارادتمندی‌هاست و مردم شهری و روستایی این سرزمین - که دروازه‌ی اسلامش نامیده‌اند - به چنین عرض ادب و احترامی افتخار می‌کنند.

به همین جهت «فرهنگان»، از پیش، به درج مقالاتی در این باره پرداخته است از جمله:

۱- مقاله‌ی «پیشینه‌ی تعزیه خوانی در نهاوند» نوشته‌ی آقای امان‌الله بوتربابی (فرهنگان ۵)

۲- مقاله‌ی «تعزیه در نهاوند»، به روایت پیش‌کسوتان» نوشته‌ی آقای احمد سیف (فرهنگان ۱۷)

در عین حال ناگفته‌ها در این خصوص فراوان است و حق مطلب به درستی ادا نشده است. در این شماره گوشه‌هایی از شکل‌گیری و فعالیت هیئت‌های عزاداری نهاوند را، به قلم همشهری گرامی آقای موسوی‌زاده و با همکاری آقای محمدجعفر شهبازی مدیر محترم مؤسسه در نهاوند، ملاحظه می‌کنید و زوایای دیگری از این فرهنگ عاشورایی در شماره‌های بعد، از نظرتان خواهد گذشت.

در این جا ضمن تشکر از تهیه‌کنندگان مقاله، یادآور می‌شود تکیه‌ی اصلی آن‌چه می‌خوانید بیان پیشینه و معرفی پیش‌کسوت‌هاست. ضمن این‌که از جوانان پرشور عزاداری، تعزیه، مدیحه‌سرایی و مرثیه‌گویی در مجالس و مراسم امروز نهاوند، که تعدادشان هم کم نیست، نام برده شده است. بی‌شک ارادت و اخلاص عاشورایی این جوانان موجب افتخار آتی این هیئت‌ها خواهد بود.



بنا بر گفته‌ی پیش‌کسوت‌ها و پیرغلام‌های اهل بیت (ع) «هیئت‌های گلشن و میدان»، از نخستین هیئت‌های رسمی عزاداری نهاوند در صد سال اخیر بوده‌اند. البته نهاوند از قدیم مساجد متعددی مانند «مسجد حاج آقا تراب»، «مسجد حاج خدارحم»، «مسجد جامع بازار»، «مسجد امام‌زاده» و... داشته است، ولی این مساجد، ضمن این که از هیئت‌های عزاداری استقبال می‌کردند، رسماً مکان برگزاری نماز جماعت و مناسبت‌های مختلف مذهبی در طول سال بوده‌اند و الزاماً تأسیس و تشکیل هیئت‌های عزاداری جزء وظایف آنان نبوده است.

بنابراین «هیئت‌های گلشن و میدان» و هیئت‌های بعدی - همان‌طور که ملاحظه خواهید کرد - از طریق خودجوشی مردم و عشق و ارادت ورزیدن آنان به خاندان عصمت و طهارت (ع) و با ارشاد شخصیت‌های روحانی و عالم محل، به تدریج در

بازار، محله‌ها و در منازل مردم نهاوند و نیز در روستاهای این شهرستان فعالیت خود را آغاز کرده و تاکنون، با همهی فراز و فرودها، این هیئات هم‌چنان به حیات فعال خود ادامه داده‌اند.

حدود یک‌صد سال پیش (۱۲۸۰ ش)، مرحوم کریم مؤمنی، هم‌زمان با بنای دوم مسجد میدان توفیق می‌یابد در آن محله برای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) عزاداری برپا کند. بنابراین می‌توان ایشان را بنیان‌گذار رسمی «هیئت میدان» دانست.

همین‌جا یادآور می‌شوم که این عزاداری‌ها در نهاوند دارای پیشینه‌ای چند قرنه و طولانی است، که به پژوهش تاریخی مستقلی نیاز دارد. در عین حال، اواخر دوره‌ی قاجار و شروع حکومت پهلوی اول، از جمله سال‌هایی است که منابع و اطلاعات حتی پیش‌کسوت‌های ما درباره‌ی عزاداری و تعزیه در این شهرستان، بسیار اندک است.



از راست: آقایان محمدجعفر شهبازی، حاج یدالله سیف، سید کریم موسوی‌زاده

«هیئت میدان» با کسانی نظیر «سیف السادات»، «فخرالدین و نورالدین سیف»، «مشهدی درویش مراد سیف»، «حاج آقا علی سیف» و «ملا قربان غلامی ذاکری» به فعالیت خود ادامه داد. به نقل از استاد یدالله سیف (ملا یدالله)، مرحوم مؤمنی برای بازسازی مسجد میدان از سیدی که اهل نهاوند نبوده است درخواست استخاره با قرآن می‌کند. ایشان هم می‌گویند خداوند تو را در این راه کمک خواهد کرد.

بنای اولیه‌ی مسجد که سال‌ها تخریب شده بود و در آن جا بچه‌ها بازی می‌کردند، به همت مرحوم مؤمنی و همکاری سایر مؤمنین مجدداً احداث گردید. از جمله ستون‌ها و سقف مسجد با تیرهای چوبی، اهدایی باغداران اطراف نهاوند، ساخته شد. نقل کرده‌اند بعضی چوب‌ها آن قدر بلند و سنگین بود که استرها قادر به حمل آن‌ها نبودند و هر کدام را با کمک دوازده سیزده نفر، از حدود هفت کیلومتری شهر تا میدان، حمل می‌کردند. گفته می‌شود بنای سوم مسجد توسط حاج رضا سیفی نهاوندی و بنای چهارم و

تکمیلی آن توسط حاج محمود زرگری انجام گرفته که بنایی محکم و استوار است. در سال‌های اخیر آقای هبت سیف و هم هیئت‌های ایشان، از جمله آقایان رضایی، مؤمنی، قیاسی و سیف مسجد را توسعه داده و حتی زینبیه‌ای هم در جنب آن ساخته‌اند. اولین تابلوی رسمی عزاداری، که مزین به نام حسین (ع) و نام هیئت بود، متعلق به «هیئت میدان» است. «هیئت میدان» اولین هیئتی بود که صاحب بلندگو شد. این بلندگو را آقای کرم‌خدا غلامی از بروجرد تهیه نمود و توسط آقای جواد ابراهیمی، مسئول تدارکات که منشأ خدمات شایانی به مسجد بود مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

«هیئت میدان» با برخورداری از عزاداران، مداحان و خادمان اهل بیت (ع) موجب تنوع و تکثر هیئت‌ها گردید، به طوری که اکثر آن‌ها از همین هیئت منشعب شدند، مثل هیئت «دوخواهران»، «سرداب»، «امام‌زاده (ع)» و «جوانان» که در ادامه از آن‌ها نیز سخن خواهیم گفت.

اما سابقه‌ی عزاداری «هیئت حسینی گلشن»، بنا بر گفته‌ی بعضی از استادان از «هیئت میدان» بیش‌تر بوده است. زمانی که مسجد گلشن عمارتی بسیار زیبا و بلند داشت، گفته‌اند که در ورودی آن، مثل درهای حرم امام‌رضا (ع)، بزرگ بوده و محوطه‌ی وسیعی داشته است و «هیئت حسینی گلشن» در آن به عزاداری می‌پرداخت. تعداد طبقات مشرف بر محوطه را تا سه طبقه ذکر می‌کنند.

مرحوم ابوتراب ذاکری، معروف به میرزا ابوتراب، از پیشگامان و مداحان اولیه‌ی نهبوند، در مسجد گلشن چهره‌ای شناخته شده و معروف بود. تواضع آن بزرگوار و صدای دل‌نشین وی همه را مجذوب خود می‌کرد و مردم را به سوی این مسجد می‌کشانید. مرحوم ذاکری هرگاه در مراسمی مرثیه خوانی می‌کرد، مردم به جای گریه کردن با ضجّه و ناله بر سرو صورت خود می‌زدند. استاد حاج حسن سیف بیان می‌کند که من از زبان مرحوم ابوتراب، در حالی که گریه می‌کرد، شنیدم که می‌گفت: «به سر مبارک حسین (ع) قسم که من عیال امام حسین (ع) را در این مسجد (گلشن) دیده‌ام.»

از ذاکر خوش صدای این هیئت، آقای سید جلال حسینی، نقل شده است که مرحوم ابوتراب خانه‌ای جنب مسجد خریداری کرد و بر خلاف کسانی که امروزه سعی می‌کنند خانه‌ی مسکونی آنان از مساجد دور باشد، از همسایگی با مسجد افتخار می‌کرد. او

صدای بلندگوی مسجد را برای مریض شفا می دانست. بعدها همین منزل برای توسعه‌ی حسینیه‌ی کنونی به مسجد واگذار شد.<sup>۱</sup>

به نقل از استاد کرم خدا غلامی ذاکری از این مسجد دو دسته‌ی بلند سینه زنی، در حالی که همگی پیراهن از تن در می آورند، خارج می شد که یک دسته هنگام ذکر می نشست و دسته‌ی دیگر در حال حرکت بود تا نوبت به او برسد. یکی از ذکرهای آنان این بود، (با ریتم‌های مختلف) دسته‌ی اول: «میر علمدار من ای برادر، اباالفضل»، دسته‌ی دوم: «سقا و سردار من ای برادر، اباالفضل»، یا: دسته‌ی اول: «چه سان جسم تو بردارم، چه سان رو در خیم آرم»، دسته‌ی دوم: «نه قوت در بدن دارم، اباالفضل ای علمدارم».

در ادامه‌ی عزاداری، وقتی هیئت به مسجد بر می گشت، زن‌ها هم در محوطه‌ی مسجد جمع می شدند. با آمدن هیئت، زن‌ها یک طرف و مردها طرف دیگر می ایستادند و شاهد و ناظر عزاداری می شدند. ندایی که مداح سر می داد این بود:

هر که دارد عشق شاه کربلا عریان شود هر که را باشد تکبیر زین مکان بیرون شود

و لحظاتی بعد همه‌ی مردها آماده‌ی سینه زدن می شدند و مجلس عزاداری شور و حال تازه‌ای پیدا می کرد. متن نوحه‌ها اکثر به صورت بحر طویل بود با این که گاه مجالس طولانی و خسته کننده می شد ولی باز مردم با عشق و علاقه و ابراز احساسات تا پایان، هیئت را همراهی می کردند.

۱- بنا بر گفته‌ی آقای محمد باقر قارنی، زمین این حسینیه قبلاً به پدرش مرحوم حسین قارنی، که از مسجدی‌های فعال محل بود، تعلق داشته است و فرزندان آن مرحوم بعدها آن زمین و خانه را برای تبدیل شدن به حسینیه، به مسجد گلشن اهدا کرده‌اند. (فرهنگان)

«هیئت میدان» همان‌طور که اشاره شد، هیئت پیش‌تاز بود. اولین مداحان رسمی آن عبارت بوده‌اند از: مرحوم سید مرتضی سیف‌فرزند سید عباس، مرحوم حاج علی‌اکبر شهبازی (رشید‌الذاکرین)، مرحوم سیدجواد مرتضوی و آقایان حاج یدالله سیف، حاج حسن سیف، سید محمدرضوی، کرم‌خدا غلامی ذاکری و کریم‌الفت، شاگرد برجسته‌ی آقای یدالله سیف. آقای سیف درباره‌ی آقای الفت گفته‌است: «اگر مرا صد حساب کنید، هشتاد آن الفت است و من بیست آن هستم».

بیش‌تر این بزرگواران یا پایه‌گذار هیئت دیگری شدند و یا در پایه‌گذاری هیئت‌های دیگر سهم عمده داشته‌اند. مثلاً مرحوم حاج علی‌اکبر شهبازی که به سبب قامت بلندش به رشید‌الذاکرین معروف بود و صدای خوشی داشت، در کنار مرقد خواهران امام‌رضاع) پایه‌گذار هیئت دو خواهران شد. ایشان در آن‌جا ابتدا تکیه‌ای چوبین برپا کرد و عزاداری را به راه انداخت و به تدریج این مراسم را توسعه داد و چنان محبوبیتی کسب کرد که همه را شیفته‌ی صدا و اخلاق و رفتار خود نمود. هیئتی که ایشان پایه‌گذاری کرد، بعدها به یکی از هیئت‌های مهم و بزرگ شهر تبدیل گردید.

در هیئت دو خواهران مداحان و شاعران خوش ذوق دیگری مانند مرحوم حاج داود حمیدی و فرزند بزرگوارش حاج نورالدین حمیدی فعالیت داشتند. پس از مرحوم شهبازی اداره‌ی هیئت به مرحوم حاج نورالدین سپرده شد. می‌توان گفت ایشان و بزرگوارانی چون علیم‌رادیان‌ها، متقی‌ها و شهبازی‌ها و همه‌ی کسانی که به عنوان اعضای هیئت امانا خدمت کردند این هدف کلی را داشتند که هیئت دو خواهران هم‌چنان برقرار و فعال بماند.



هیئت‌های دیگری که از «هیئت میدان» جدا و مستقل شدند، یکی هیئت شاهزادگان محمد و علی فرزندان موسی بن جعفر (ع) و دیگری هیئت متوسلین به حضرت علی‌اصغر (ع) بوده‌است. استاد غلامی ذاکری سرپرستی هیئت اخیر را به‌عهده داشته و دارد. ضمن این‌که از طرف اداره‌ی حج و اوقاف شهرستان نهاوند، تولیت آستان مبارک امامزادگان و مسجد را نیز متقبل شد و بنای جدید مسجد و امامزادگان را که با هم مرتبط‌اند با طرح‌های زیبایی پی‌ریزی و بازسازی نمود.

این هیئت علاوه بر دهه‌ی اول محرم، روزهای اربعین حسینی (ع) و بیست و هشتم صفر هم عزاداری مفصلی برگزار می‌کند و با طی مسافتی طولانی در سطح شهر و عبور از خیابان‌های اصلی، مراسم را در مسجد به پایان می‌رساند.

بنده افتخار می‌کنم که در این هیئت و زیر نظر استاد کرم‌خدا غلامی ذاکری، خدمتگزار امام حسین (ع) بوده و هستم. همین‌جا از شاگرد دیگر این استاد، یعنی مرحوم عزت‌الله روشنفکر، یاد کنم. ایشان متأسفانه بر اثر سانحه‌ای دارفانی را وداع گفت. یاد و خاطره‌اش گرامی باد.

از دیگر هیئت‌هایی که از «هیئت میدان» سرمشق گرفت - هرچند دوام نیافت - «هیئت مسجد گوشه‌ی آب‌انبار (سرتل)» بود که توسط سید محمدرضوی از مداحان میدان و از سادات محترم شهرستان پایه‌گذاری شد. پس از مدتی فعالیت، متأسفانه این مسجد در مسیر خیابان قرار گرفت و خراب شد.

از هیئت‌های موفق دیگر شهر می‌توان به هیئت سرداب (مسجد النبوی) اشاره کرد. پایه‌گذاران این هیئت عبارت بودند از مرحوم سید خلیل سید آقایی پدر بزرگوار سید حشمت سید آقایی (درودگر) از سادات جلیل‌القدر شهرستان، مرحوم علی‌زاده شهبازی

و مرحوم حاج حسین، با مداحان بزرگوارى چون مرحوم شکرالله محسنی، مرحوم سهم‌الدین (عطار)، مرحوم سید جواد مرتضوی و مرحوم صدرالدین مرتضوی.

این هیئت بعدها در زمان مرحوم درخشان، به سبب حضور یا همکاری مرحوم حاج آقا داشی مقیمی، مرحوم محمودزاده (بزاز)، مرحوم سید حسین سید آقایی، مرحوم ملا یدالله، مرحوم اسماعیل قدوسی، حاج محمد حسین (عطار) و ظفر السلطان به اوج شهرت و اعتبار خود رسید. در زمان انقلاب هم خادمین صدوقی در برقراری و رونق دادن به مسجد و هیئت زحمات بسیاری کشیده‌اند. از جمله مرحوم محمدعلی شهبازی، که در حال خدمت و تعمیر مسجد<sup>۱</sup> به دیار حق شتافت، روحش شاد.

بنده هم افتخار دارم مدت پنج‌سال است که به‌عنوان مداح رسمی هیئت سرداب، بعد از هیئت امام زادگان محمد و علی به خدمت‌گزاری اهل بیت (ع) مشغولم.

از هیئت‌های موفق دیگر می‌توان به «هیئت جوانان بازار»، که زمان تأسیس آن به سال ۱۳۳۱ می‌رسد، اشاره کرد. این حسینیه در کنار مرقد شاهزاده علی‌بن موسی‌بن جعفر (ع) (مسجد جارچی باشی سابق) به همت پیر غلام اهل بیت (ع) حاج صادق حاجیان بنا گذاشته شده‌است. از این بزرگوار در راه خدمت به برپایی عزای حسین (ع) و فداکاری در این راه هرچه بگویم کم است.

سایر خادمان امام حسین (ع) در این هیئت و حسینیه‌ی جوانان، عبارت بودند از: آقایان: حاج علی قیاسی، اسدالله ذهبی، مرحوم ابوتراب قاسمی، مرحوم حسن قاسمی، مرحوم صحبت‌الله شاهرخی، مرحوم ربیع قدوسی، مرحوم اسدالله شاهرخی، مرحوم

۱- گفتنی است که در تعمیر اساسی مسجد سرداب در دهه‌ی بیست، به همراهی و کمک خیرین متعددی که در کار احیای این مسجد همت گماشته‌اند، می‌توان از مرحوم حاج خلیل شهبازی (گوشه‌ای) و داماد ارشد او، مرحوم حاج شاهمراد عبدالملکیان نیز نام برد. رحمت خدا بر آنان باد. (سردبیر)

علی قیاسی (آهنگر)، مرحوم حشمت امیری، مرحوم رضا شفیع، مرحوم شاهرخی (خیاط)، مرحوم موسی آهنی، مرحوم نورالدین رسولی و برادران حاج اصغر و باقر معصومی و نیز مرحومان ساجعلی قدمخیر، غلامعلی قدمخیر، روح الله قیطاسپور، حاج حبیب مسگر، حاج احمد حاتمیان، حاج مصطفی امیری، حاج مصطفی احمدی و حاج سید شمس الدین سیدان و علی اکبر خدارحمی.

از مداحان اولیه این هیئت می توان به مرحوم حاج صدرالدین مرتضوی، مرحوم محمدتقی هادیان و جواد شهبازی اشاره کرد. با دعوت از آقای کریم الفت از هیئت میدان ایشان سال های متمادی عهده دار این مسئولیت بودند. هم چنین باید از آقای جواد حاجیان و به خصوص از آقای حاج فریرز سپندجی (سپندژی) به عنوان مداح این هیئت نام برد.



سمت چپ: حاج صادق حاجیان

آقای حاج صادق حاجیان نقل می‌کند ما به نشانه‌ی مخالفت با تکریم پرچم اهدایی شاه به هیئت سرداب سابق، که با وساطت ظفرالسلطان انجام گرفته بود، با عده‌ای از دوستان به مسجد جارچی‌باشی، که مسافت آن با مسجد سرداب بسیار کم بود، رفتیم و هیئتی جدید را به راه انداختیم. در بنای اولیه‌ی این هیئت و مسجد آن از حمایت و رهبری مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد ولی حیدری برخوردار بودیم و بعدها فرزندان ایشان (شهید حیدری) مسجد و حسینیه را بسط و گسترش دادند.

رئیس شهربانی وقت به حمایت از هیئت سرداب و به دلیل مخالفت ما با استفاده از پرچم شاهی اهدایی دربار در مراسم عزاداری، به ما اجازه‌ی عزاداری جداگانه در محل جدید نداد. لذا به اتفاق چند تن از دوستان، از جمله آقای حاج علی قیاسی، به منزل مرحوم احمد اسفندیاری (رئیس انجمن شهر) رفتیم و مُصرانه از ایشان خواستیم ضامن ما و هیئتمان گردد، که ایشان هم پذیرفت و در ملاقات با رئیس شهربانی اجازه‌ی عزاداری را برای ما گرفت و به عنوان شروع کار، حواله‌ی سی‌دست پیراهن سیاه نیز به هیئت جوانان تقدیم کرد که این خود سرمایه‌ی اولیه‌ی ما شد.

هم‌چنین در سال ۱۳۴۹ شمسی که عده‌ای از فعالان سه هیئت «میدان»، «دوخواهران» و «جوانان»، به مشهد مقدس سفر کرده بودند، بعد از زیارت و عزاداری در صحن مطهر ثامن الائمه (ع)، آقایان حاج صادق حاجیان، مرحوم رضا علیمرادیان، استاد حاج حسن سیف و حاج محمد باقر سیف از آستان مبارک آن حضرت (ع) برای این سه هیئت تقاضای سه پرچم منقش به نام امام رضا (ع) می‌نمایند که بعد از چند روز به آن‌ها اهدا می‌گردد. این پرچم‌ها هم اکنون در این سه هیئت و مسجد با افتخار نصب گردیده و مورد احترام همگان است.

گفتنی است سال‌ها قبل (۱۳۳۳) هیئت‌های «دو خواهران» و «میدان» نیز چنین تقاضایی از آن آستان مبارک داشته‌اند و پرچم امام‌رضاع) را تحویل گرفته بودند.

آقای حاج صادق حاجیان برای فعال شدن هیئت جوانان از مرحوم حاج علی‌اکبر شهبازی درخواست می‌کند دسته‌ای از دسته‌های سینه‌زنی هیئت دوخواهران را به این هیئت بفرستند و ایشان، با این که «هیئت دوخواهران» دو دسته عزادار بیش‌تر نداشت، این درخواست را با افتخار می‌پذیرد. هر چند با مخالفت عده‌ای روبه‌رو می‌شود. مرحوم شهبازی در جواب مخالفان می‌گوید خود امام حسین (ع) نمی‌گذارد پرچمش بر زمین بماند. می‌گویند در شب بعد، هم هیئت جوانان شلوغ شد و هم به سبب نیت پاکِ مرحوم حاج علی‌اکبر شهبازی، هیئت دو دسته‌ای دو خواهران به سه دسته افزایش یافت!



### هیئت‌ها و مسیر حرکت

این گونه رسم و سنت بود که همه‌ی این هیئت‌ها به پاس احترام به علمای شهر، مسیر حرکت خود را به سوی منازل ایشان تعیین می‌کردند و بعد از عزاداری مفصل در این منازل، دوباره به مسجد خود بر می‌گشتند. هنوز هم هر ساله، این سنت پسندیده در چنین ایامی، از طرف «هیئت‌های دوخواهران»، «جوانان» و «سرداب» و سایر هیئت‌ها تکرار می‌شود و به نشانه‌ی سرسلامتی و ادای احترام به بازماندگان علمایی چون مرحوم آیت‌الله علیمرادیان و شهید علی حیدری در کنار منزل آنان عزاداری می‌کنند.<sup>۱</sup>

مسیر هیئت‌های عزاداری در گذشته به طرف منازل علمایی چون مرحوم آیت‌الله قدوسی بزرگ، مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل آقا، مرحوم حاج آقا حسین، مرحوم حاج آقا یدالله فاطمی، مرحوم آقا میرزا آقا حجت، مرحوم حاج آقا تراب، سادات علوی و سجادی و سایر علمای شهر، که همگی از افتخارات شهر و دیارمان بوده و هستند، هدایت می‌شد.

گفتنی است وقتی در مسیر، دو هیئت به هم می‌رسیدند (برخلاف امروزی‌ها) برای قدر نهادن به هم‌دیگر، ذکر سینه‌زنی را عوض می‌کردند، آن‌گاه به سر می‌زدند و به هم خوش آمد می‌گفتند. مثلاً هیئت میدان به هیئت سرداب می‌گفتند: «هیئت سردایان، السلام، السلام» که این گونه هم جواب می‌شنیدند: «السلام، السلام!»

۱- از سال‌های بعد از انقلاب ادای احترام به خانواده‌ی شهدا و مفقودین نیز به این رسم و سنت هیئت‌ها افزوده شد و در کنار منازل آنان، ضمن یادآوری از شهدای کربلا، از شهیدان هر محل نیز به نیکی یاد می‌شود. «فرهنگان»

هر سال ، روز عاشورا هیئت‌های گلشن و میدان و دوخواهران در بیرون از شهر ، در اماکنی مثل اطراف بقعه‌ی شیخ منصور و زیرچقا خیمه برپا می‌کردند و همگی در این مکان مستقر می‌شدند و در پایان عزاداری در حالی که خیل جمعیت عزادار بغض در گلو داشتند و به سر و سینه می‌زدند ، خیمه‌ها را به آتش می‌کشیدند و این‌گونه نوحه سر می‌دادند:

فریاد یا محمد، محمدی محمدا                      آتش زدند به خیمه‌ها

و بعد از پایان مراسم، در حال برگشت به مسجد خود این ذکر را زمزمه می‌کردند :

این خیمه‌های آلِ عبا را                      از جور و کینه آتش کشیدند

گوشِ عروس شهزاده قاسم                      از جور و کینه یکسر دریدند

### هیئت‌ها و قمه زنی

چندین دهه است و به خصوص از بعد از انقلاب اسلامی ، اجرای «قمه‌زنی» به توصیه‌ی مراجع و بزرگان دین متوقف شده است. اما سابقه‌ی آن در نهادند از زنجیرزنی بیش‌تر بوده‌است. در آن سال‌ها قمه‌زن‌ها به نشانه‌ی عرض ارادت به امام حسین (ع) و اعلام ایثار و فداکاری خود، با شیوه‌ای خاص و رعب‌انگیز قمه می‌زدند. به این ترتیب که موهای جلوی سر را می‌تراشیدند و به همان قسمت تراشیده شده تیغ می‌زدند و در حالی که کفن بر تن داشتند با پهنای قمه بر روی آن بریدگی‌ها می‌زدند و شعارشان این بود: «حسن - حسین ، حسن - حسین». به دنبال ضربات قمه خون بر کفن پاشیده می‌شد و

جلوه‌ی خاصی به مراسم می‌داد. عده‌ای هم چوب به دست (به تعداد قمه‌زن‌ها) پشت سر آن‌ها حرکت می‌کردند و شعارشان این بود: «حیدر - صفدر».

وقتی آن‌ها مسیری را طی می‌کردند و به جاهای شلوغ و پر تردد و پر تجمع می‌رسیدند، قمه‌زنی به اوج خود می‌رسید و با همان شور، شدت ضربات قمه بیش‌تر و بیش‌تر می‌شد و همین که می‌خواستند با قسمت لبه‌ی تیز قمه به سر بزنند، چوب به دستان دست به کار می‌شدند و چوب‌ها را جلوی قمه حائل می‌کردند تا سر قمه زن‌ها دچار زخم عمیق نشود. در پایان مراسم حمام‌های شهر پذیرای خیل قمه‌زنان بود.

### هیئت‌ها و زنجیرزنی

زنجیرزنی نوع دیگری عزاداری در هیئت‌هاست که بعد از سینه‌زنی و قمه‌زنی رواج یافته و امروزه بیش از سینه‌زنی مورد توجه هیئت‌ها قرار گرفته است و عده‌ای نگران هستند فرهنگ اصیل عزاداری که تبلور آن در سینه‌زنی است و سابقه‌ی درخشانی در هیئت‌ها داشته، از این طریق کم‌رنگ شود.

زنجیرزنی سابقاً به شکل خاصی و بدون ساز و دهل امروزی (تجملات) اجرا می‌شد و به صورت سنتی و غیرتی مرسوم بود که بر نوک هر ردیف زنجیر، تیغ‌های کوچک تیزی تعبیه می‌کردند تا به نشانه‌ی فرط اندوه، آسیب و خراش بیش‌تری را متحمل شوند.<sup>۱</sup> این دسته از عزاداران در پایان مراسم با همان حالت آسیب‌دیدگی و زخم بدن به

۱ - به نقل از آقای امیرحسین جلالوند استفاده از چنین زنجیرهایی در شهر نهاوند معمول نبوده و اولین بار توسط بعضی چادرنشینان و مهاجران، به‌نشانه‌ی عرض ارادت بیش‌تر به شهدای کربلا، چنین حرکت افراطی و غیرقابل دفاعی رواج یافته است و هنوز هم بازماندگان آنان از چنین زنجیرهایی - هرچند انفرادی و محدود - استفاده می‌کنند. «فرهنگان»



حمام، که در آن سال‌ها خزینه داشت، می‌رفتند و بعد از یکی دو روز زخم‌ها هم جوش می‌خورد و خوب می‌شد.

شاید بتوان گفت اعتقاد قوی و ایمان راسخ آن عزاداران موجب می‌شد که قمه‌زنی و زنجیرزنی را با همه‌ی خطرات و آسیب‌های احتمالی ادامه دهند و آن را نشانه‌ی جان برکف و جان‌نثار بودن در راه مولای خود بدانند.

البته «سینه‌زنی»، نوع معمول و پذیرفته شده‌ی عزاداری امروز در همه‌ی هیئت‌هاست. در نهاد عزادارانی که دوست دارند ارادت خود را در محرم و صفر در کمال سادگی و با وقار و متانت نشان دهند به سینه‌زنی بدون تشریفات و تجمل روی می‌آورند و نسبت به زنجیرزنی و متعلقات آن اقبالی نشان نمی‌دهند. این دسته‌های سینه‌زنی با صف‌های طولانی و منظم و با نوحه‌های وزین و سنگینی خود تماشاگران همشهری و غیر همشهری را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند و نقش روشنگری آنان در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب بسیار چشمگیر بوده است.

### هیئت‌ها و شام غریبان

یکی از مراسم باشکوه آن زمان که هنوز هم برقرار است، شام غریبان امام حسین (ع) بوده و هست. در این مراسم، هیئت‌ها به حرمت حضرت زینب (س) و اهل بیت امام حسین (ع) در سینی‌های مسی شمع روشن می‌کردند و بر سر می‌گرفتند و مسجد به مسجد یا تکیه به تکیه می‌رفتند و در هر مسجد یا تکیه‌ای به عزاداری می‌پرداختند تا این که به مکان خود باز می‌گشتند و مجلس را ختم می‌کردند. از جمله نوحه و شعارهای شام غریبان این بود:

امشب رقیه پدر ندارد

شام غریبان، سحر ندارد

### هیئت‌ها و تعزیه

بر اساس آنچه نقل کرده‌اند، تعزیه<sup>۱</sup> از قرن هفتم در نهاوند رواج یافته و کم و بیش تا کنون ادامه داشته است. از بانیان اولیه تعزیه از حدود هفتاد سال پیش، مرحوم ملا قربان غلامی ذاکری را می‌توان نام برد که کار خود را در «هیئت میدان» آغاز کرده است. وی به اتفاق آقایان مصیب و مصطفی سیف و چند تن دیگر از اهالی محله‌ی میدان و عده‌ای که از شهرستان‌های بروجرد، اشترینان و روستاهای اطراف این دو شهر، مثل چهاربُره به دعوت مرحوم ملاقربان به نهاوند می‌آمدند در میدان پای‌قلعه تعزیه برپا می‌کردند.

استاد سید حشمت سید آقایی آماده‌سازی و تهیه‌ی نمایش آن را به عهده داشت. این برنامه مورد توجه مردم قرار می‌گرفت و با اشتیاق آن را تماشا می‌کردند. این گروه تعزیه با فرارسیدن ماه محرم، هر چند روز در یکی از محلات شهر یا روستاها برنامه اجرا می‌کردند و این برنامه‌ها تا پایان ماه صفر ادامه داشت. البته در دهه‌ی اول محرم و در مناسبت‌هایی چون بیست و یکم رمضان این مراسم در شهر نهاوند شکوه و جلوه‌ی بیش‌تری داشت.

بعدها در هیئت‌های دیگر، مثل «هیئت دوخواهران»، بزرگوارانی چون مرحوم ولی‌الله شفیعی و ... به «تعزیه» روی آوردند و این نوع عزاداری را گسترش دادند. امروز هم بعضی از هیئت‌های شهرستان به اجرای تعزیه پای‌بند و وفادارند و در طول سال هفته‌ای یک شب دور هم جمع می‌شوند و در اصل به تمرین می‌پردازند تا در ایام محرم و صفر

۱- مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی گرچه هنوز هم توسط بعضی هیئت‌های نهاوند استمرار دارد، اما رونق و جلوه‌ی درخشان آن به سال‌های دور بر می‌گردد. در این باره اجمالاً در شماره‌ی ۱۷ فصل‌نامه‌ی فرهنگان از آقای احمدسیف مطالبی آمده است و در آینده مطالب بیش‌تری از سایر صاحب‌نظران تعزیه را ملاحظه خواهید کرد. «فرهنگان»

برای اجرای تعزیه آمادگی کامل داشته باشند. از جمله هیئت تعزیه‌ی محله‌ی حسن آباد به نام ابا الفضل العباس (ع) و هیئت تعزیه‌ی سالار شهیدان گروه دو خواهران است.

### هیئت‌ها و عزاداری در منازل

اما فراتر از همه‌ی هیئت‌های مساجد و تکایا، مجالس و عظم و عزاداری‌هایی بود که در منازل منعقد می‌شد و سابقه‌ی این گونه مجالس طولانی است و قدمت بعضی از آن‌ها به قرن‌های گذشته می‌رسد. این سنت اسلامی و شیعی نسل به نسل تا به امروز ادامه یافته است.

این مجالس خانگی برخلاف امروز که اغلب مختص خانم‌ها شده است، مشترک بود. معمولاً در وسط حیاط پرده‌ای می‌کشیدند و در یک طرف آقایان و طرف دیگر خانم‌ها به سوگ می‌نشستند. سپس واعظ سخنرانی و موعظه می‌کرد و مداحان مدیحه و مرثیه می‌خواندند و به مجلس رونق می‌دادند. نمونه‌ی آن هم‌اکنون در ایام فاطمیه در منزل آقا شجاع فتحیان برگزار می‌شود. در آن سال‌ها روضه‌خوان‌های معروفی مثل سید حسینی، مرحوم آقا جواد مرتضوی، مرحوم آقا سید علی سیف، مرحوم رحمان محجوب، مرحوم علی مؤمن و استادان دیگر، این مجالس را اداره می‌کردند.

می‌دانیم در زمان رضا شاه، هم زمان با کشف حجاب (۱۳۱۴ شمسی) عزاداری در مساجد و تکایا قدغن شده بود و مأموران حکومتی اجازه نمی‌دادند کسی به عزاداری بپردازد. اما مردم در خفا در بعضی از منازل عزاداری می‌کردند. گاهی هم مردم دور از

چشم حکومت برای عزاداری به روستاهای اطراف می‌رفتند که نزدیک‌ترین آن‌ها روستای کفراش بوده است.

یکی از این روضه‌خوانی‌ها (مجالس روضه)، در منزل مرحوم کریم مؤمنی برگزار می‌شد. صاحب‌خانه ناگزیر بود از داخل، پتو و پوشش‌هایی پشت در و پنجره‌ها آویزان کند تا نور و صدای مراسم به بیرون نرود. این سخت‌گیری‌ها به آنجا رسید که مسجدها رو به خرابی گذاشتند و از رونق افتادند. حتی بعضی از مسجدها در بازار تبدیل به انبار کاه و امثال آن شدند!

آقای کرم خدا غلامی ذاکری نقل می‌کند روزی در مسجد امامزاده، روحانی بلندقدی را دیدم که وارد مسجد شد. او بعد از مشاهده‌ی مسجد از من پرسید، جوان می‌دانی در این شهر مجالس عزاداری در کجا برقرار می‌شود؟ من ابتدا از دادن پاسخ امتناع کردم، ولی پس از اصرار زیاد از منزل مرحوم مؤمنی نام بردم. ایشان با خواهش فراوان از من خواست منزل مؤمنی را نشان دهم، من هم با اکراه و ترس فراوان که مبادا او از مأموران حکومتی باشد او را تا جلوی منزل مؤمنی همراهی کردم. همین که دق‌الباب کردم مرحوم مؤمنی در را باز کرد و چون آن روحانی را نمی‌شناخت و بیم داشت که مأمور دولتی باشد در صدد برآمد در را ببندد که روحانی فریاد کشید مگر این‌جا مجلس حسین (ع) نیست؟ اگر می‌ترسی تعطیلش کن وگرنه اجازه بده من هم چند کلمه‌ای صحبت کنم.

آقای مؤمنی هم در را باز کرد و روحانی بدون این‌که اجازه‌ای بگیرد به منبر رفت و مردم را مورد سرزنش قرار داد که چرا به خواب غفلت فرو رفته‌اید، چرا می‌ترسید؟

مگر خون شما از خون یارانِ حسین (ع) رنگین تر است؟ چرا نسبت به دین بی تفاوت شده‌اید و مساجد تعطیل و یا تبدیل به انبار گاه شده‌اند؟ چرا صدای اذان در این شهر به گوش نمی‌رسد؟ مگر شما مسلمان نیستید؟

این شخص که در شهر انقلابی برپا کرد کسی جز آیت‌الله برقی از روحانیون مبارز و برجسته‌ی شهر قم نبود که با سخنان آتشین خود موجب شد عزاداری‌های نهادند احیا شود و رنگ واقعی به خود بگیرد و از آن پس مساجد و تکایا به تحرک ییفتند و به تدریج صوت قرآن و مناجات و اذان و فریادهای یا حسین (ع) از مساجد به گوش برسد. با ورود روحانیون آگاهی چون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدولی حیدری به شهرستان نهادند و همکاری مؤمنین شهر از جمله مرحوم حاج خدارحم، نه تنها مساجد رونق یش تری گرفت، که مجالس و عظ و عزاداری نیز توسعه یافت و بر تعداد مساجد و هیئت‌های شهر افزوده شد. به طوری که امروزه بحمدالله ده‌ها مسجد و هیئت و تکیه در ایام محرم و صفر به عزاداری می‌پردازند. از استاد یدالله سیف نقل شده‌است در همان زمانی که به مردم اجازه‌ی عزاداری نمی‌دادند، یکی از مأموران دولتی به نام سروان «ورمزیاری» سیلی محکمی به مرحوم مؤمنی می‌زند. همین باعث می‌شود مرحوم مؤمنی به بست بنشیند. آن مرحوم یک سر پارچه‌ای سبزرنگ را به گردن خود و سر دیگر را به منبر می‌بندد و ورمزیاری را نفرین می‌کند و چند روزی نمی‌گذرد که آن افسر شهربانی را به شهر دیگری انتقال می‌دهند! مرحوم ذبیح مؤمنی فرزند مرحوم کریم مؤمنی به استاد سیف گفته است که یک روز سروان ورمزیاری را در تهران دیدم. او به من گفت برو به پدرت بگو مرا ببخشد،

زیرا از آن تاریخ تاکنون شیرازه‌ی زندگی‌ام به هم ریخته است و از زندگی خیر ندیده‌ام.

باز استاد یدالله سیف نقل می‌کند من در اوج منع عزاداری‌ها در مجلسی به مداحی پرداختم و این خبر به گوش مأموران دولتی رسید. فوراً یکی از پلیس‌های برجسته‌ی شهربانی به نام عبدالله خان که اهل توپسرکان بود به سراغم آمد تا مرا بازداشت کند. او در حالی به مغازه‌ی من (قصابی) آمد که من در مغازه نبودم و به شاگردم با تهدید می‌گفت به سیف بگو هرچه سریع‌تر خودش را به شهربانی معرفی کند و این در حالی بود که من پشت سر او بودم و او مرا ندید.

فردای آن روز عبدالله خان را با چند مأمور و مسئول شهر دیدم و با این که آماده بودم دستگیر شوم، خاضعانه به من رو کرد و گفت آقای سیف التماس دعا دارم. لطفاً مرا ببخشید!

استاد سیف این‌گونه تحلیل می‌کرد که مداحان اهل بیت (ع)، مولا و سروری دارند که هیچ‌گاه آن‌ها را تنها نمی‌گذارد و حتم دارم با عنایات مولایم حسین (ع) عبدالله خان این چنین خاضع و مرعوب شده بود.

### هیئت‌ها و مداحان امام حسین (ع)

پیش از این، پیش‌کسوت فرهنگی آقای امان‌الله بوتراپی در فرهنگ‌ان شماره هشت از مداحانی چون آقایان حشمت مداح، عباس مداح، آقا مصطفی و ... نام برده‌اند. با

این توضیح که این بزرگواران متعلق به مسجد یا هیئت خاصی نبودند و سرانجام نیز از این دیار به شهرهای دیگر عزیمت نمودند.

اینک ما در تکمیل آن فهرست، مداحان و نوحه‌سرایانی را ذیلاً ذکر می‌کنیم که در کسوت مداحی باقی مانده و در اعتلای فرهنگ مداحی اهل بیت (ع) در این شهر، عمر عزیز خود را صرف نموده و شاگردانی را پرورش داده‌اند. شاگردانی که هرکدام امروز استادی چیره دست شده‌اند.

مرحوم سید مرتضی سیف فرزند آقا عباس، حاج سید محمد رضوی، مرحوم حاج علی اکبر شهبازی (رشید الذاکرین)، مرحوم شکرالله محسنی، مرحوم سهم‌الدین عطار، مرحوم میرزا جواد کابلی، مرحوم میرزا جواد شهبازی، مرحوم علی حیدر شهبازی، مرحوم ملا آقا مراد، مرحوم عیسی محرم، مرحوم نعمت‌الله دهدار، مرحوم صدرالدین مرتضوی، مرحوم داود حمیدی، مرحوم نورالدین حمیدی، مرحوم جواد شهبازی، مرحوم محمدتقی هادیان، مرحوم علی حیدر شهبازی، مرحوم میرزا ابوتراب ذاکری، میرزا سید جواد مرتضوی، مرحوم حاج علی قمری، مرحوم یدالله صادقی، مرحوم حاج طریقت، مرحوم ملاعلی مؤمن، مرحوم رحیم غفوری، مرحوم رضا قمرپور، مرحوم شیخ حسن سلگی (شاعر)، عزت‌الله روشنفکر و آقایان حاج یدالله سیف، حاج حسن سیف، حاج کرم‌خدا غلامی ذاکری، حاج کریم الفت، قائمی، سید جلال حسینی، استاد کرم‌خدا امینیان (شاعر)، سید احمد و سید اصغر حسینی و ...

به هر حال تاکنون قریب پنجاه هیئت و تکیه در روز عاشورای امام حسین (ع) و شهدای کربلا، شهر نهاوند را پرشور و غوغا می‌سازند (روستاها گزارش دیگری نیاز

دارد) که در این جا تنها به ذکر اسامی آن‌ها (به صورت الفبا) اکتفا می‌کنیم و در عین حال اگر کسانی از هیئت‌های دیگری خبر دارند که اسامی آنان در این جا ذکر نشده است به «فرهنگان» اطلاع دهند تا ضمن درج در شماره‌های بعدی به آگاهی خوانندگان برسد<sup>۱</sup>:

آل‌طه، آل یاسین، اباصالح صاحب الزمان، الجواد (جوادیه)، امام حسین (ترمینال)، امام‌زاده مهدی، امام‌زمان آل محمد (مصلا)، امیرالمؤمنین (شهرک طالقانی)، انصارالمهدی، انصار ابوالفضل سرخیابان، بقیة الله (عج)، پیروان ولایت، تعزیه‌داران حضرت ابوالفضل حسن آباد، تعزیه‌داران سالار شهیدان کربلا دوخواهران، تکیه شهدا جامع امام حسن مجتبی، جوانان شهید حیدری، حضرت علی اکبر، دوخواهران، دو طفلان مسلم (مسجد حاج خدارحم)، رزمندگان اسلام، زهرای انسیه، سرداب، سیدالشهدای شهرک شهید حیدری، صاحب الزمان دستغیب، عشاق الحسین، علمدار حسین، علی بن ابی طالب (دکتر حسابی)، علی بن موسی الرضا حسن آباد، علی بن موسی الرضا دستغیب، فاطمة الزهرا، قاسم بن حسن، گلشن، گوشه سرآسیاب، گوشه سرتل، متوسلین به اهل بیت، متوسلین به حضرت علی اصغر (امامزاده محمد)، محبان اهل بیت (زندانی)، محمدیه (فرهنگیان)، محبین علی بن ابی طالب (مسجد حاج آقا تراب)، مشتاق ولایت، مکتب ابوالفضل، مهدیه، میدان، ورزشکاران، ولی عصر، هیئت الزهرا جوادیه، هیئت الزهرا (گروس)

۱- از آقایان حجت الاسلام مجتبی بیات، رئیس اداره‌ی تبلیغات اسلامی، خسرو نوروزی، کارمند اداره‌ی مذکور و حاج حسین قیاسی، عضو ستاد نماز جمعه که در تهیه‌ی این فهرست همکاری کرده‌اند سپاس‌گزاری می‌شود.





از راست: استاد حسن سیف، استاد کرم‌خدا غلامی ذاکری، سید کریم موسوی زاده

مشکلی که هم‌اکنون این هیئت‌ها با آن روبه‌رو هستند ناهماهنگی‌های ناشی از مسیر سنتی و طولانی (قیصریه، میدان، دوخواهران و طی مسیر به خیابان اصلی) است که تصادم و برخوردهایی ایجاد می‌کند و قطعاً با توافق این هیئت‌ها می‌توان بین آن‌ها وحدت و انسجام ایجاد کرد، به‌طوری که مردم در دهه‌ی اول محرم، در سطح شهر و مساجد، شاهد یک عزاداری یک پارچه و منسجم باشند.

در خاتمه یادآور می‌شوم آنچه از نظرتان گذشت تاریخچه‌ی کامل و بدون نقص همه‌ی هیئت‌های عزاداری شهرستان نهاوند نبوده و نیست و جای آن دارد که مطلعین و

پیش‌کسوت‌های ارجمند هر هیئت با نوشتن خاطرات و محفوظات خود این مختصر را کامل نمایند.<sup>۱</sup>

۱- علاوه بر آنچه در متن مقاله آمده است، متعاقباً فهرست دیگری از مداحان و ذاکرین هیئت‌ها، نکایا، و مجالس زیارت عاشورا، دعای ندبه و سمات (در سطح شهر) از سوی آقای محمدجعفر شهبازی ارسال شد که به شرح زیر اعلام می‌شود، با این توضیح که اولاً به جز چند نفر شهید و مسن، بقیه‌ی آن‌ها جوان هستند و نشانه‌ی آن است که مداحی اهل بیت (ع) مورد استقبال جوانان امروز قرار گرفته است. ثانیاً از آن‌جایی که تاکنون به‌اسامی مداحان و ذاکرین مستقر در روستاها دست نیافته، اعلام آن‌ها را به بعد موکول نموده‌ام.

شکرالله آرمان، محمود اسدی، باهر بحیرایی، جواد بهاری، محمود پیله‌وری، عزت‌الله جانجانی، روح‌الله جلالوند، عبدالحسین جلالوند، نعمت‌الله حبیب‌وند، منصور حسینی تبار، حجت حکمت، پیام حمیدی، حسین حمیدی، عابدین حمیدی، عبدالله حمیدی، علی حمیدی، شکرالله خدارحمی، شهید محمد حسین خزایی، علی خزایی، مجتبی دهنفولی، مهدی رسانی، صحبت‌الله روشنفکر، علی رضائی، حجت رئیسی، عبدالله زمانیان، آیت سلگی، محمد سلگی، غلامرضا سلیمانی، سید حمید سید حسینی، سید نعمت سید حسینی، احمد سوری، حمید سیاوشی، محمد سیاوشی، قاسم شیرزاد، اسماعیل سیف، حسین سیف، رحمان سیفی، سجاد شاه‌مرادی، بهرام شهبازی، جعفر شهبازی، سعید شهبازی، علی‌اصغر شهبازی، محمود شهبازی، وهاب شهبازی، شهید شمس‌الله شهبازی، منوچهر شهبازی، محسن شهبازی، محمدرضا شهبازی، یاسین صالحی، مصطفی طلایی، رضا عبدلی، حامد فلکی، محمد رضا قارئی، فرزاد قبانوری، محمد قبانوری، احمد قیاسی، مرتضی قیاسی، گودرز کرمی، مراد کفراشی، حسین گابله، اکبر گودرزی، منوچهر گودرزی، داریوش مالیر، محمد رضا محسنی، حسین محمودوند، جاوید الاثر محمد موبر، سید داود موسوی، سید واحد موسوی، علی مولوی، هاشم نادری، حجت ویسی، سید احمد هاشمی زاده، سید محمد هاشمی زاده، سید احمد همه‌کسی، حمید رضا یار کرمی.

امید است که این جمع اغلب جوان و پر تحرک، فرهنگ عاشورایی را بیش از پیش تقویت کنند و با بهره‌گیری از آموزش‌های لازم و گذراندن کلاس‌های تخصصی و تعمیق مطالعات اسلامی و شیعی خود، در مداحی و ذکر مناقب اهل بیت (ع) تحولی کیفی ایجاد کنند، و همان‌طور که آیات عظام حوزه‌های علمیه تأکید کرده‌اند، با مدح و تبلیغ آگاهانه‌ی خود، ریشه‌ی هر گونه خرافات و مطالب شرک‌آلود را بخشکانند. «فرهنگان»